



## The Principles of Realizing Judicial Security in Iran's Criminal System

## اصول تحقق امنیت قضایی در نظام کیفری ایران

Eraj Morvati

Master of Criminal Law and Criminology, Bakhtar University of Ilam, Ilam, Iran

ایرج مروتی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه باختر ایلام، ایلام، ایران

[erajmorvati7@gmail.com](mailto:erajmorvati7@gmail.com)

<http://orcid.org/0009-0000-0400-316x>

### Abstract

Security is freedom in the light of which a person succeeds in continuing his civil life without fear of aggression and invasion by the powers of individuals or governments, and in fact, the possibility of healthy use of legal and judicial authority to repel and eliminate personal and social aggression is a form of it provides judicial security. In many legal systems, the principle of judicial security is presented precisely as a necessity of constitutional value. In fact, on the one hand, this principle is one of the important indicators of the rule of law, and its guarantee is the first goal of any legal system. Many other legal institutions are justified by the principle of judicial security. The need to pay attention to this principle in our country becomes apparent when the stability of the legal system will inevitably lead to the stability of legal relations. Judicial security is a theory that, like other ideas and intellectual innovations, should be established and clarified in the interaction of thoughts and conflict of thoughts and criticism and discussion of the elites of the society, completed and evolved in the field of implementation and practice, and benefiting from the experiences of the system. Judicial and criminal cases and the use of modern techniques and methods in the form of a complete, comprehensive and appropriate military system to meet the needs of our society and other Islamic societies. Benefiting from the cooperation of associates, chaste and brave judges, and eminent lawyers of the district and university, makes it possible to reach the perfection of the judicial system and judicial security. In creating judicial security, the most important good is the implementation of justice and law, and the Islamic judicial system is the most efficient means to realize this lofty goal. Strengthening judicial knowledge and selection of competent persons in judicial and administrative complexes and detailed planning along with continuous monitoring of the components of the judicial system and maintaining the dignity and dignity of judgment and citizen's rights are considered to be the main tools for realizing judicial security. The present research method is descriptive-analytical.

**Keywords:** Judicial Security, Principles, Iran's Criminal System.

### چکیده

امنیت، فراغت بالی است که در پرتو آن آدمی بدون واژه‌ها از تعرض و تهاجم قدرت‌های افراد یا حکومت‌ها به ادامه حیات مدنی توفیق می‌یابد و در واقع امکان استفاده سالم از اقتدار قانونی برای دفع و رفع تهاجم فردی و اجتماعی، شکل‌دهنده امنیت قضایی است. در بسیاری از نظام‌های حقوقی اصل امنیت قضایی دقیقاً به مثابه یک ضرورت واجد ارزش قانون اساسی مطرح می‌شود. در واقع از سویی این اصل به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم حکومت قانون بوده و تضمین آن نخستین غایت هر نظام حقوقی است. از سوی دیگر بسیاری از نهادهای حقوقی با اصل امنیت قضایی توجیه می‌شوند. این کارکرد دوگانه به این اصل اهمیتی مضاعف می‌بخشد. ضرورت توجه به این اصل در کشور ما زمانی جلوه می‌کند که ثبات نظام حقوقی، لاجرم ثبات روابط حقوقی را نیز به دنبال خواهد داشت. امنیت قضایی، نظریه‌ای است که باید چونان دیگر نظرات و ابداعات فکری، در تعامل افکار و تضارب اندیشه و نقد و بحث نخبگان جامعه ستبر و شفاف شود، در عرصه اجرا و عمل تکمیل شود و تکامل یابد و با بهره‌وری از تجربه‌های سیستم‌های قضایی و جزایی و استفاده از تکنیک و روش‌های روزآمد در قالب نظامی کامل، جامع و درخور تأمین نیازهای جامعه ما و دیگر جوامع اسلامی ظهور پیدا کند. بهره‌گیری از همکاری شخصیت‌های کاردان، قضات پاکدامن و شجاع و حقوقدانان فاضل حوزه و دانشگاه، این امکان را می‌دهد که در مجموع به کمال دستگاه قضایی و امنیت قضایی برسیم. در ایجاد امنیت قضایی مهم‌ترین خیر، اجرای عدالت و قانون است و نظام قضایی اسلام، کارآمدترین وسیله برای تحقق این هدف متعالی است. تقویت دانش قضایی و گزینش اشخاص صالح در مجموعه‌های قضایی و اداری و برنامه ریزی دقیق همراه با نظارت مستمر بر اجزای دستگاه قضایی و حفظ عزت و حرمت قضاوت و حقوق شهروندی، از لوازم اصلی برای تحقق امنیت قضایی به حساب می‌آیند. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

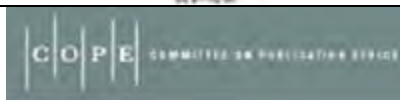
**واژگان کلیدی:** امنیت قضایی، اصول، نظام کیفری ایران.

ارجاع:

مروتی، ایرج؛ (۱۴۰۲)، اصول تحقق امنیت قضایی در نظام کیفری ایران، تمدن حقوقی، شماره ۱۶.

## Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



## مقدمه

امنیت به طور عام و امنیت قضایی به طور خاص، امروزه برای کلیه شهروندان و نظام‌های سیاسی صرف‌نظر از سطح رفاه، توسعه اقتصادی-اجتماعی و نوع ایدئولوژی حاکم، از مهم‌ترین و با اولویت‌ترین مسائل به شمار می‌آید؛ چه این که هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نمی‌باشد و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت مولد و سازنده انسان‌ها، بدون بستر امن امکان پذیر نخواهد بود. روانشناسان بر این باورند که انسان برای رسیدن به اهداف عالی در حیات انسانی خود پس از تأمین نیازهای فیزیولوژیکی، نیاز به وجود امنیت و احساس امنیت دارد و در این میان مهم‌تر از امنیت، موضوع احساس امنیت است. چراکه احساس امنیت در یک جامعه، مهم‌تر از وجود خود امنیت ارزیابی می‌شود، زیرا احساس امنیت است که موجبات کار، فعالیت، همکاری و مشارکت افراد را در زندگی اجتماعی شان فراهم می‌سازد. در غیر این صورت ممکن است امنیت از لحاظ ساختاری و قضایی در جامعه‌ای وجود داشته باشد، اما فرد احساس امنیت نکند و لذا به دلیل همین احساس ناامنی، به دیگران اعتماد و اتکاء نکرده و یا به کجروی و مقابله با نظم جامعه روی آورده و یا انزوای اجتماعی را در پیش می‌گیرد.

در تقسیم‌بندی امنیت اگر به امنیت ملی، امنیت اجتماعی و داخلی، امنیت منطقه‌ای و امنیت بین‌المللی اشاره کنیم، بعد از بحث امنیت ملی، بحث امنیت داخلی یا اجتماعی حائز بیشترین اهمیت است. در بحث امنیت داخلی که امنیت افراد، جامعه و همه آحاد یک ملت تأمین می‌شود، انواع گوناگونی مطرح‌اند،

از جمله امنیت قضایی، امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت فرهنگی، امنیت زیست محیطی، امنیت غذایی و... که از مجموعه آن‌ها می‌توان به‌عنوان امنیت داخلی یاد نمود. اما در میان همه آن‌ها، بحث امنیت قضایی جایگاه ویژه‌ای دارد. امنیت قضایی اصلی‌ترین ضمانت اجرایی قانون در کشور محسوب می‌شود. البته اجرای قانون، تضمین‌های مختلفی از جمله تضمین‌های اجرایی دارد، اما مهم‌ترین آن‌ها امنیت قضایی است. امنیت به معنای آسودگی خاطر، آرامش و عاری بودن از هرگونه ترس و نگرانی است. بنابراین مهم‌ترین مسئله در نیازهای اساسی یک جامعه بعد از امنیت و نیازهای زیستی، امنیت قضایی است. امنیت زیستی مانند آب، غذا، هوا و... است که قاعدتاً مقدم بر دیگر موارد امنیت می‌باشد. امنیت اقتصادی یعنی تأمین حداقل یک درآمد مطمئن تا انسان بتواند آرامش الزم را احساس کند نیز بسیار حائز اهمیت است.

قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند به سزای آنچه کردند، لباس گرسنگی و ترس را به آن‌ها پوشاند و طعم آن را به آن‌ها چشاند».<sup>۱</sup> بنابراین قرآن کریم هم در ابتدا بحث امنیت زیستی و سپس خوف و ترس را مطرح می‌کند. در آیه دیگری می‌فرماید: «خداوند به آن‌ها در گرسنگی طعام داد و از ترس ایمنی بخشید».<sup>۲</sup> در اینجا هم بعد از بحث امنیت زیستی، بحث امنیت اجتماعی را مطرح می‌نماید.

از امنیت اقتصادی گرفته که تضمین یک درآمد مطمئن برای یک خانواده است تا امنیت زیست محیطی که محیط سالم و آب و هوای سالم را تضمین می‌کند؛ تا امنیت غذایی که دسترسی به غذای اصلی جامعه و مواد خوراکی را تضمین می‌کند؛ تا امنیت بهداشتی که سلامت جسمی مردم را تضمین می‌کند و تا امنیت سیاسی که امنیت عضویت در گروه‌ها، سازمان‌ها و هویت جمعی را تضمین می‌کند، همه و همه از اجزای امنیت اجتماعی می‌باشند. مواردی از امنیت هم در شرایط امروزی جامعه مطرح است که در گذشته موضوعیت زیادی نداشت، مانند امنیت ارتباطات که بعد از اختراع وسایل جدید ارتباطی، مورد نیاز مردم می‌باشد. در بحث امنیت ملی هم، شرایط امروز با گذشته بسیار متفاوت است و موضوعات جدیدی بر آن تأثیرگذارند و نقش مهمی در امنیت ملی دارند.

در میان انواع امنیت اجتماعی، قوی‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها امنیت قضایی است، چون امنیت قضایی حقوق عامه را تضمین می‌کند. امنیت قضایی یعنی قدرتی در کشور که بتواند بازدارنده باشد. اولین تأثیر امنیت قضایی، بازدارندگی است، یعنی بازدارنده هرگونه تعدی تجاوز و ظلم در جامعه است و در مرحله

۱- سوره نحل، آیه ۱۱۲

۲- سوره قریش، آیه ۴

بعد، چنانچه تعدی و ظلمی واقع شد، می‌تواند آن را ترمیم و جبران کند و متجاوز را تنبیه و مجازات نماید. امنیت قضایی به دلیل اهمیتی که دارد، یکی از اهداف مهم هر حکومتی است. امروزه در کارآمدی دولت، بحث امنیت قضایی به‌عنوان یک شاخص مهم مطرح است، در حکمرانی خوب نیز بحث امنیت قضایی به‌عنوان یک مؤلفه اصلی مورد بحث است. بی‌تردید در توسعه کشور نیز اولین زیرساخت توسعه، امنیت قضایی است. همچنین در شاخص‌های مهم اجتماعی حتی در مباحث اقتصادی، مسئله امنیت قضایی به‌عنوان یک معیار مهم مطرح است. برای مثال در بحث محیط کسب و کار، یک مبحث مهم، بحث امنیت قضایی است. یکی از معضلات امروز، تحت عنوان «فرار مغزها و فرار سرمایه‌ها» مطرح است که یک عامل مهم آن ضعف امنیت قضایی است؛ چه این که اگر امنیت قضایی در یک جامعه به‌طور کامل وجود داشته باشد، فرار سرمایه‌ها و فرار مغزها کمتر اتفاق می‌افتد. این گونه ناهنجاری‌ها معمولاً از ضعف امنیت قضایی نشئت می‌گیرد (اشراقی، ۱۳۹۶، ۲۳).

## ۱- مفاهیم

### ۱-۱- تعریف امنیت در حقوق

امنیت همیشه و در طول قرون و اعصار یک مسئله مهم برای مردم، جوامع و دولت‌ها بوده است و در عین حال یک مشکل و معضل هم بوده است چرا که جوامع همیشه با برقراری امنیت مشکل داشته‌اند چه امنیت داخلی چه امنیت خارجی، که البته در این پژوهش امنیت داخلی برای ما مهم می‌باشد. امنیت در لغت به معنی ایمن شدن و در امان بودن آمده است. همچنین امنیت ممکن است در تعاریف مختلف با یکدیگر فرق داشته باشد مثل امنیت فردی، امنیت ملی و امنیت قضایی. «در فرهنگ علوم و فناوری دو معنا از واژه امنیت ارائه شده است: حالتی که در آن ارضای احتیاجات و خواسته‌های شخصی انجام می‌پذیرد. احساس ارزش شخصی، اطمینان خاطر، اعتماد به نفس و پذیرش از طرف گروه» (آقابابایی، ۱۳۸۹، ۲۹).

علی‌ایحال باید گفت امنیت دیگر معادل تهدیدهای مرزی و جسمی نیست بلکه با توسعه و پیشرفت جوامع امنیت را باید در تضمین آینده افراد و داشتن یک زندگی خوب دانست. «در گزارشی که در سال ۱۹۴۵ میلادی توسط سازمان ملل متحد در اختیار دولت‌ها قرار گرفت به دو موضوع مهم، رهایی از ترس و رهایی از نیاز به‌عنوان دو جزء مهم، امنیت اشاره شده که بر این اساس اقتصاد قوی‌ترین نقش را در مقوله امنیت بازی می‌کند» (آقابابایی، ۱۳۸۹، ۳۰). با این وجود به نظر می‌رسد که با توجه به اهمیت امنیت، تعریفی که در شأن این موضوع باشد ارائه نشده لذا به نظر نگارنده، امنیت عبارت است از آسوده خاطر

بودن افراد در جامعه بدون این که خلأیی در برآورده شدن نیازهای خود اعم از امرار معاش، قضایی و امنیت فردی احساس کنند. البته تعریف مذکور تعریف صحیحی شاید نباشد اما اگر بخواهیم هر تعریفی دیگری هم ارائه دهیم همین اجزاء را باید در آن استفاده کرد.

### ۱-۲- مفهوم امنیت از دیدگاه حکومت

در حقوق اسلام نیز دریافت کلی این است که حکومت با اعمال و اجرای دستورات الهی به دنبال حل و فصل اختلاف‌ها و حفظ نظم و امنیت است. «فقیهان مسلمان نوعاً به این موضوع اشاره دارند که این پاسخگویی تمام مصالح و مفاسد بوده و پیامبر اسلام (ص) عهده دار کلیه مسائل مسلمانان اعم از دنیا و آخرت بوده است.<sup>۳</sup> حاکم دنباله رو پیامبر در حفظ دین و تنظیم امور این دنیا است<sup>۴</sup> (علینقی، ۱۳۹۷، ۴۲).

همچنین براساس نظریه دانشمندان اسلامی پاسخ ارزش ضروری شریعت عبارت است از: حفظ و حمایت از دین، زندگی (حیات)، نسل، مال و عقل. هر سیستم حکومتی که به دنبال اجرای حقوق اسلامی باشد، ملزم به حفظ و تعقیب این ارزش‌ها است. این سؤال در اینجا مطرح است که ارتباط این ارزش‌ها با سایر ارزش‌ها از جمله امنیت و نظم چیست؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت: نظم و امنیت ارزش‌های کارکردی اولیه هستند که بدون این‌ها هیچ ارزش دیگری قابل اجرا و اعمال نیست. با همین رویکرد، وقتی فقهای مسلمان بر وظایف و کارکردهای امام یا حاکم تصریح می‌کنند، در درجه اول بر حفظ این تأکید می‌کنند، وظیفه دیگر اجرای حقوق نسبت به متداعیان و حل منازعه به گونه‌ای است که عدالت نمایان شود و وظیفه سوم، حفظ صلح، ثبات و تضمین امنیت است به گونه‌ای که مردم با امنیت به امور خود پردازند. با همین نگاه، تضمین امنیت و رفع تهدید از سرزمین اسلامی، ارزش و ضرورت مهمی است که حکومت حاکم جائر غیرصالح هم با اذن فقیه جایز دانسته شده است.

اما تناقض جالب در اینجاست که همراه با افزایش قدرت دولت، خود دولت به منبع تهدید علیه فرد تبدیل می‌شود. از دیدگاه «باری بوزان» این تهدیدها را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد: تهدیدهای ناشی از وضع و اجرای قوانین داخلی؛ تهدیدهای ناشی از اقدام سیاسی یا اداری مستقیم دولت علیه افراد یا گروه‌ها؛ تهدیدهای ناشی از تلاش‌های مربوط به کنترل دستگاه دولت؛ تهدیدهای

۳- الرسول الاعظم کان متکفلاً لجميع الامور فی امتها

۴- حراسه الدین و سیاسه الدنیا

ناشی از سیاست خارجی دولت (بوزان، ۱۳۷۸، ۶۱).

تهدیدهای فرآیند قوانین داخلی برای افراد، ممکن است نتیجه رویکردهای مداخله‌گرانه و بیش از حد پلیسی (جرم‌انگاری تهاجمی) یا تدابیر مربوط به دادرسی و پیگرد قانونی و یا شیوه‌های اجرای مجازات باشد. اجرای ناقص و ناموفق عدالت، خواه از طریق در معرض جرم و جنایت قرار گرفتن، یا از طریق اعمال مجازات‌های غیرعادلانه، می‌تواند اثرات مهمی بر زندگی افراد داشته باشد. این موضوع در نظریه‌های مکتب جرم‌شناسی واکنش اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. تاکنون براساس فلسفه وجودی دولت و سازوکار جرم‌انگاری رفتار و اجرای مجازات‌ها، این ذهنیت مثبت وجود داشت که مجازات و اقدامات تأمینی و نهادها و تأسیسات پلیسی، تقنینی و قضایی متصدی تعیین و اجرای این واکنش‌ها، به منظور ایجاد مانع و مدتی در برابر بزهکاری مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، این فرض عکس می‌شود. یعنی نهادهای کیفری مثل پلیس، دستگاه قضایی، سازمان زندان‌ها، مجریان احکام کیفری و حتی قانون‌گذاری کیفری، می‌توانند عامل جرم باشند. به تعبیری دیگر، جرم‌شناسی واکنش اجتماعی برای علت‌شناسی جرم، به جای توجه به مجرم و محیط پیرامون او، نگاه خود را به کیفر، قانون‌گذار کیفری، رویه دادگاه و رفتار پلیس متمرکز می‌کند و چنین فرض می‌کند که خود آن‌ها عامل جرم‌اند. در بسیاری از کشورها، دولت و مقامات امنیتی به خود این اجازه را می‌دهند که به بهانه امنیت و بدون این که دلایل متقنی برای توجه اتهام به افراد وجود داشته باشد، نسبت به بازداشت موقت و سلب آزادی آن‌ها اقدام کنند و بدون این که دلایل بازداشت مورد بررسی مقامات قضایی قرار گیرند بعد از مدتی نسبت به آزادی آن‌ها اقدام کنند. اشکال ملایم‌تری هم وجود دارد که می‌تواند منبع تهدید و ناامنی باشد. مدیریت نوین شهری دارای اختیارات حقوقی گسترده‌ای است که می‌تواند آن‌ها را به اسم منافع عمومی علیه افراد به اجرا گذارد. صاحبان املاک امکان دارد برای توسعه و یا جابجایی مسیر یک خیابان، ملک خود را از دست بدهند، تصمیمات ناگهانی اقتصادی ممکن است باعث رکود بسیاری از فعالیت‌ها یا بیکاری تعداد زیادی شود (ماندل، ۱۳۸۷، ۴۵).

### ۱-۳- مفهوم امنیت قضایی

امنیت قضایی عبارت است از ایمنی و مصون ماندن فرد از هرگونه تعرض، تجاوز، ارباب و تهدید نسبت به جان، مال، ناموس، آزادی، شرف، حیثیت، شغل، مسکن و به طور کلی تمامی حقوق قانونی و مشروع او. این مهم هنگامی تحقق خواهد یافت که جرایم، بزه‌ها، تخلفات، نیرنگ‌ها و انواع تقلب و فساد و

ریشه‌های ارتکاب آن در جامعه ریشه کن شود و به طور کلی عواملی که سبب زیان مالی یا جانی یا معنوی و روانی افراد می‌شود از بین برود و محیطی امن و آرام به وجود آید و به طوری که فرد بتواند احساس آرامش و امنیت کند (صادقیان، ۱۳۹۲، ۶۹). چنانکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأکید شده است، امنیت قضایی، حالتی است که در آن، حیثیت، جان، مال و کلیه امور مادی و معنوی انسان، در حمایت قانون و در صیانت قوه قضائیه باشد.<sup>۵</sup> برای ایجاد چنین حالتی، باید مؤلفه‌هایی اساسی رعایت شوند تا از آن طریق بتوان به هدف امنیت قضایی که دستیابی به عدالت قضایی است دسترسی یافت. تأمین چنین امنیت عادلانه‌ای برای همه و تساوی عموم در برابر قانون، برعهده قوه قضائیه است.<sup>۶</sup>

امنیت قضایی، زمانی شکل خواهد گرفت که اصول و رویه‌های دادرسی، به نحوی عادلانه، تضمین‌کننده حقوق مادی و معنوی افراد جامعه باشند. درحقیقت، دادرسی عادلانه، خود یکی از حقوق بنیادین بشر است که صحت، کارایی و سلامت سیستم قضایی یک کشور را تضمین می‌کند و از این راه، ضمن رعایت کامل حقوق قضایی، امنیت قضایی را نیز تأمین می‌نماید (کلاترینان، ۱۳۹۰، ۳۲). از آنچه بیان شد، می‌توان چنین استنباط کرد که «حقوق قضایی»، آن دسته از حقوقی است که فرد در برخورد با دستگاه قضایی و رسیدگی‌های قضایی، باید از آن برخوردار باشد. اگر این حقوق براساس اصول، قواعد و رویه‌های دادرسی عادلانه، مانند اصل برائت، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین و... به اجرا گذاشته شوند، امنیت قضایی را برای افراد جامعه به ارمغان خواهند آورد (زارعی، ۱۳۹۶، ۱۶).

با توجه به مطالبی که عنوان گردید امنیت قضایی را می‌توان به شرح ذیل این گونه تعریف نمود: «عملکرد صحیح، به هنگام و بدون تبعیض سیستم قضایی جهت رسیدن به اهداف تعریف شده و اطمینان عمومی نسبت به این عملکرد». اگر همان گونه که اشاره شد، اهداف نظام قضایی در کشور را، تأمین و دفاع از حقوق شهروندان بدانیم، امنیت قضایی آن هنگام حاصل خواهد شد که قواعد، احکام، نهادها، سازمان‌ها و فعالان موجود در بخش قضایی کشور (مجموع ورودی‌ها، فرآیند قضاء و خروجی‌های نظام قضایی) در رسیدن به این اهداف، تلاش ورزند، از این رو اگر نظام قضایی موجود باشد و به هر علت نتواند به اهداف یادشده نائل گردد، خواهیم گفت که به میزان محروم شدن از اهداف نظام قضایی، از امنیت قضایی محرومیم (نوروزی، ۱۳۹۷، ۵۷).

۵- اصل دوم

۶- بند چهاردهم اصل سوم و اصل یکصد و پنجاه و ششم

## ۲- اصول و پیش شرط‌های امنیت قضایی

به منظور تضمین امنیت قضایی در جامعه ضروری است اصول زیر به وسیله نظام قضایی کشور رعایت شوند. رعایت این اصول به تحقق عدالت قضایی که عامل مهم امنیت قضایی است، کمک می‌کند. مهم‌ترین اصولی که باید توسط دستگاه قضایی در رسیدگی به دعاوی رعایت گردد، عبارتند از: اصل استقلال و بی‌طرفی قضایی، اصل برائت، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، حق داشتن وکیل و تدافعی بودن استنطاق، اصل تساوی در برابر قانون و اصل علنی بودن محاکمات. که در زیر اصول مهمی که رعایت آن‌ها طبق مبانی دینی و حقوقی بر دستگاه قضایی الزامی است، به اختصار مطرح می‌شوند:

### ۲-۱- اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها

هدف از اصل حاکمیت قانون این است که از استبداد و ظلم جلوگیری شود و در برخورد حکام با شهروندان و مافوق با زیردست، از خودسری جلوگیری شود. براساس این اصل، کلیه امور عمومی و اتخاذ هرگونه تصمیم از طرف مقامات و مسئولان حکومتی باید بر طبق قانون باشد (هاشمی، ۱۳۹۱، ۳۴). تبعیت از اصل حاکمیت قانون، یکی از بهترین تضمین‌کننده‌های امنیت قضایی است؛ چراکه در پرتو آن، شهروندان خود را در پناه قانون می‌بینند و با اطمینان خاطر به طراحی و برنامه ریزی خود می‌پردازند و در صورت تعرض حاکمان و شهروندان از حقوق خود در جهت امنیت خود بهره می‌گیرند. طبق این اصل، عناوین مجرمانه و مصادیق آن‌ها و همچنین مجازات آن باید در قانون تعیین و مقرر شده باشد. بیان قرآن کریم در این باره چنین است: «و ما هرگز قومی را مجازات نخواهیم کرد، مگر آن که پیامبری مبعوث کرده باشیم».<sup>۷</sup> به این معنا که تا حکمی مشخص نشده و قاعده‌ای وضع نگردیده است، نمی‌توان کسی را به دلیل عدم رعایت آن مجازات کرد. در واقع نمی‌توان بدون بیان قبلی، کسی را مجازات نمود که در لسان منتهی به اصل «قبح عقاب بلایان» تعبیر شده است و از افتخارات فقه اسلامی در زمینه امنیت حقوقی به شمار می‌رود.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند».<sup>۸</sup> از اصل یکصد و شصت و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز استنباط می‌شود که فعل یا ترک فعلی، جرم شناخته می‌شود که در قوانین مدون، جرم شناخته

۷- سوره اسراء، آیه ۱۵

۸- اصل سی و دوم



شده و مجازاتی که در نظر گرفته می‌شود، باید دقیقاً مطابق با قانون بوده و توسط دستگاه صالح صادر شده باشد. طبق اصل سی و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد». در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز آمده است: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌گردد».

## ۲-۲- اصل تفسیر مضیق در قوانین کیفری

به رغم تدوین قوانین به صورت دقیق، روشن و صریح، در موارد زیادی لازم است قانون تفسیر شود. قاعده‌ای که نسبت به تفسیر قانون باید مورد توجه قرار گیرد، این است که باید قانون را مضیق و نه موسع تفسیر کرد. یعنی نباید مدلول یک قانون را به موارد مشابه آن که دقیقاً در قانون تصریح نشده است، تسری داد. البته مرجع این تفسیر در پاره‌ای موارد در قانون تعبیر شده و در سایر موارد برعهده قضات و داوران گذاشته شده است که براساس علم به همه جوانب موضوع و کلیه قوانین و حدود و ثغور آن‌ها باید تفسیری مضیق داشته باشند.

تفسیر مضیق قوانین کیفری از اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها نشئت می‌گیرد. تفسیر مضیق، نوعی تفسیر قضایی است که به موجب آن مدلول یک قانون در چهارچوب مفهوم خویش محبوس و از سرایت دادن آن به موارد مسکوت (یا مواردی که احتمال دارد شامل آن‌ها باشد) اجتناب می‌شود و لذا در قانون کیفری باید تفسیر مضیق نمود. همچنین در قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی و امارات قانونی و مسئولیت مدنی حتماً باید تفسیر مضیق نمود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ۱۷۶). چنانچه مردم احساس کنند تفسیر قاضی از تمام قوانین کیفری و جزایی یک تفسیر مضیق است، یعنی هر کجا که شبهه‌ای یا تردیدی وجود دارد، قاضی قانون را سرایت نمی‌دهد، می‌تواند احساس امنیت قضایی را برای مردم تضمین کند.

## ۲-۳- اصل تساوی در برابر قانون

براساس این اصل، همه در برابر قانون مساوی‌اند و جنس، نژاد، مذهب، طبقه، قومیت و امثال این‌ها نباید باعث تبعیض گردند. به این اصل، اصل عدم تبعیض نیز گفته می‌شود. البته بر این اصل استثنائاتی در نظام حقوقی اسلام و کشور ما وارد شده است، مانند تفاوت زن و مرد در دیه، قضاوت، شهادت و امثال این‌ها. همچنین درخصوص برخی از مشاغل به دلیل اهمیت خاصی که دارند، گاهی مصونیت‌هایی در نظر گرفته می‌شود، مانند مصونیت پارلمانی نمایندگان مجلس یا مصونیت قضات. با وجود این، اصل تساوی در برابر قانون اصل

مهمی است که باید جهت حفظ امنیت مردم و برقراری عدالت قضایی و کیفری رعایت گردد. در اصل نوزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود». ذکر لفظ «مانند این‌ها» در انتهای این اصل بدان معناست که موارد مذکور حصری نیست و موارد دیگری نظیر وابستگی حزبی، اعتقادی و حتی اختلاف دین و مذهب را نیز در بر می‌گیرد. همچنین طبق اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». اهمیت اصل تساوی همه افراد در برابر قانون به اندازه‌ای است که اصل یکصد و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص رهبری اعلام می‌دارد که: «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است».

اگر همه مردم بدانند که در دادگاه‌ها و در مراحل مقدماتی در دادرسی‌ها و حتی در مراحلی که ضابطین موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهند، تبعیضی وجود ندارد و همه در برابر قانون مساوی هستند، برای مردم اطمینان بخش خواهد بود.

## ۲-۴- اصل شخصی بودن مجازات‌ها

این اصل بدان معناست که هرکس مسئول اعمال خویش است. در بیان قرآن کریم چنین آمده است: «هرکس که کاری شایسته کند، به سوی خود اوست و هرکس که بد کند، به زیان اوست و پروردگار تو به بندگان ستم روا نمی‌دارد».<sup>۹</sup> همچنین امام علی (علیه السلام) که به فرزندانش فرموده اند: «نمی‌خواهم پس از مرگ من، خون مسلمانی ریخته شود، به بهانه این که بگویند امیرالمؤمنین کشته شد. بدانید و آگاه باشید که نباید کس دیگری به جز قاتل من کشته شود».<sup>۱۰</sup>

بنابراین هرکسی که جرمی مرتکب شده باشد، مجرم است و باید مجازات شود؛ نه این که افراد طایفه و یا اعضای خانواده و یا کل جناح و حزب و تشکیلات مجازات شوند. این اصل بسیار بااهمیت است. مراعات این اصل باید به گونه‌ای باشد که مردم احساس کنند به خاطر دوست، همکار یا دبیرکل حزب شان متهم نمی‌شوند و مورد تعقیب و مجازات قرار نمی‌گیرند (محدث و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۷۶).

۹- سوره فصلت، آیه ۴۸

۱۰- نهج البلاغه، نامه ۴۷

## ۲-۵- اصل علنی بودن محاکمات

اصل علنی بودن محاکمات یکی از اصول ضروری برای یک محاکمه عادلانه می‌باشد. هدف از علنی بودن محاکمات این است که مردم در جریان دادرسی نظارت کنند و بدین طریق از انحراف دستگاه قضایی جلوگیری گردد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که: «محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت و یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که در محاکمه علنی نباشند».<sup>۱۱</sup>

منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در دادگاه می‌باشد. اما انتشار آن در رسانه‌های گروهی قبل از قطعی شدن حکم مجاز نخواهد بود و متخلف به مجازات مفتری محکوم می‌شود.<sup>۱۲</sup> این که محکمه‌ای علنی باشد و افراد بتوانند در آن شرکت کنند و خبرنگاران نیز بتوانند حضور داشته باشند، برای مردم اطمینان بخش خواهد بود و علامتی است که در این محکمه، در چهارچوب قانون، منطق، وجدان و عدالت قضاوت می‌شود.

## ۲-۶- اصل لزوم رسیدگی به شکایات و تظلمات

امنیت قضایی مستلزم آن است که در درون ساختار سیاسی حکومت، نهاد و تشکیلاتی وجود داشته باشد که وظیفه رسیدگی به شکایات، تعدیات و تظلمات را برعهده گیرد. به موجب اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این وظیفه برعهده قوه قضاییه است. اهمیت این اصل در این است که در یک جامعه، مجریان و متجاوزین به حقوق دیگران، دستگاهی را بالای سر خود حس کنند که اجازه تعدی و تجاوز نمی‌دهد و در صورت بروز این جرائم با آن برخورد قاطع می‌نماید و لذا مردم هم احساس امنیت می‌کنند و می‌توانند با آسودگی به کار و زندگی خود ادامه دهند. در این خصوص قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد».<sup>۱۳</sup>

۱۱- اصل شصت و پنجم

۱۲- تبصره اول ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

۱۳- اصل سی و چهارم

قدرت‌های فعال در جامعه، رسانه‌ها و شایعات منتشره نباید جوی را به وجود آورند که اپوزیسیون و گروه مخالف و یا حتی گاهی گروه رقیب جرئت نکنند به محاکم مراجعه کنند و یا مراجعه به دستگاه قضایی را بی‌ثمر پندارند. دستگاه قضایی کشور باید مراقب چنین جوی باشد و با آن مقابله کند تا همه اطمینان یابند که قوه قضاییه به همه آحاد ملت تعلق دارد. از نشانه‌های سلامت دستگاه قضایی کشور، اطمینان مردم از عدالت ورزی دادگاه‌ها، دادرها و مجتمع‌های قضایی است؛ به گونه‌ای که هریک از شهروندان، در هر طبقه اجتماعی مطمئن باشند که اگر از سوی هرکسی دچار ستم شدند، می‌توانند احقاق حق کنند و دستگاه قضایی از شخص ستم‌دیده در برابر ستمگر حمایت می‌کند.

## ۲-۷- اصل منع تعقیب

براساس این اصل، دستگیری و تعقیب مجرمین باید براساس ضوابط قانونی باشد و نمی‌توان بدون دلیل و حکم قانونی کسی را تحت تعقیب قرارداد یا بازداشت نمود. در این خصوص در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود».<sup>۱۴</sup> براساس همین اصل، اگر فردی طبق قانون بازداشت شد، موضوع اتهام باید سریعاً به وی تفهیم شود تا افراد بتوانند از همان ابتدا برای دفاع از خود آمادگی لازم را پیدا کنند. قاضی باید از محتویات پرونده کاملاً مطلع باشد و مطمئن شود که تعقیب ضروری و لازم است. نباید به آنچه که بخش‌های امنیتی اظهار و اعلام می‌کنند یا ضابطین قوه قضاییه بر آن تأکید دارند، اکتفا نماید. به خصوص در مورد بازداشت افراد، قضات باید وسواس لازم را به خرج دهند. سلب آزادی مردم بدون دلیل قاطع مسلماً برخلاف قانون و شرع است (سیاح، ۱۳۹۴، ۹۸).

## ۲-۸- استقلال قضایی

استقلال قضایی به این معناست که دستگاه قضایی از یک سو و قضات از سوی دیگر به طور بی‌طرفانه و به دور از نفوذ و تأثیر عوامل خارج از قانون و صرفاً براساس موازین قانونی مبادرت به صدور حکم نمایند.

در استقلال قضایی مهم‌ترین رکن، استقلال قضات است و آن بدین معناست که قاضی با بی‌طرفی کامل بر طبق قانون احقاق حق نماید و از هیچ کس واهمه‌ای نداشته باشد و تسلیم غرض ورزی‌ها، جوسازی‌ها و شایعه پراکنی‌ها نشود و با قدرت و با استحکام براساس دلایل و آنچه از قانون استنباط دارد، نظر خود را در قالب حکم اعلام نماید (مدنی، ۱۳۸۹، ۸۷).

یکی از عواملی که باعث استقلال قضایی می‌شود، مصونیت شغلی و شخصی قضات است. قضات باید از امنیت شغلی و آرامش و آسودگی فکری و روانی لازم برخوردار باشند و تغییر و تحولات در دستگاه سیاسی و قضایی نباید در شغل آنان اثر بگذارد. همچنین قضات باید درخصوص گرایشات و جریانات مختلف سیاسی بی‌طرفی اتخاذ کنند و گرایشات سیاسی تأثیری در صدور حکم شان نداشته باشد. قاضی نباید تحت تأثیر هیچ فشار، توصیه و یا جوی قرار گیرد. در برخی موارد مهم، در ابتدا برای دستگاه قضایی فضا سازی می‌شود، بعد پرونده‌ها را ارجاع می‌دهند. جوی درست می‌شود که قاضی دیگر آزادی عمل نخواهد داشت تا حکمی که مورد نظر اوست، صادر کند. استقلال قاضی به معنای آن است که به جز قانون، وجدان، علم قاضی، محتویات پرونده و حکم خداوند، هیچ چیز دیگری در قضاوت او دخالت نداشته باشد. این که استقلال قاضی تضمین شود، امر بسیار مهمی است.

## ۲-۹- اصل حق داشتن وکیل

یکی از مسائل مهم در امنیت قضایی، حق انتخاب وکیل است. اگر همه بدانند که به هر دلیلی اگر مورد اتهام قرار گرفتند، می‌توانند وکیل انتخاب کنند، یعنی یک فرد وارد به مسائل حقوقی دفاع از آن را برعهده می‌گیرد، موجب اطمینان خاطر خواهد شد. در بسیاری از کشورها گفته می‌شود وکیل در همه مراحل می‌تواند حضور داشته باشد. در برخی از کشورها حتی وقتی پلیس متهم را دستگیر می‌کند، متهم می‌تواند بگوید هیچ سؤالی را جواب نمی‌دهم تا وکیل من برسد. در مقررات کشور ما در مسائل کیفری، در مراحل مقدماتی، گاهی حضور وکیل محل بحث است، چون در بازپرسی، مقررات خاصی وجود دارد، ولی در مراحل دادگاه، حق داشتن وکیل در سال‌های اخیر تثبیت شده است. از این اصل به عنوان «اصل تدافعی بودن استنطاق» هم یاد می‌شود که در نظام حقوقی ما کمتر بدان توجه شده است. به این معنا که متهم از همان ابتدا از مرحله آغاز تحقیقات مجاز به داشتن وکیل است و وکیل حق دارد در کلیه مراحل، نقش فعالی داشته باشد تا بتواند در تهیه گزارش‌ها، بازپرسی‌ها و استنطاقات دفاع نماید. اصل سی و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت، بر این حق تأکید دارد: «در همه

دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد». همچنین اصل سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر منع شکنجه به منظور اقرار و کسب اطلاع تأکید می‌کند: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود». این تأکید نشان می‌دهد که دستگاه قضایی و ضابطین آن باید در کشف جرم از روش‌های معتبر قانونی بهره‌گیرند و امکان دفاع را به متهم بدهند.

## ۲-۱۰- اصل پاسخگو بودن قوه قضائیه

طبق این اصل دستگاه قضایی هر زمان که لازم بود باید در برابر اقدامات خود پاسخگو باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مانند بسیاری از کشورها، حق نظارت بر دادگاه‌ها به دیوان عالی کشور سپرده شده است. دیوان عالی کشور حق نظارت دارد، البته عملاً بر همه دادگاه‌ها نظارت نمی‌کند، به جز در موارد خاص و پرونده‌هایی که به آنجا ارجاع داده می‌شود. ولی طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دیوان حق نظارت عام بر همه دادگاه‌ها را دارد (سیفی زیناب و امیراقدم، ۱۳۹۵، ۱۹۱).

این که چگونه می‌شود اصل پاسخگو بودن را تضمین کرد، محل بحث است. مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مردم هیچ‌گاه در این مسئله به نتیجه مطلوبی نرسیده‌اند. آیا حق تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی را می‌توان در امور قضایی هم جاری و ساری نمود و راجع به یک پرونده قضایی، مجلس شورای اسلامی هم وارد شود و تحقیق و تفحص کند یا خیر؟ در مجلس شورای اسلامی اول، در اوایل کار فکر می‌شد که با احضار در دادگستری و سؤال از وی، می‌توان به این اصل دست یافت. حتی در مجلس شورای اسلامی اول یک سری سؤالات از وزیر دادگستری مطرح شد که وزیر دادگستری، به دلیل نداشتن اختیارات کافی از دادن پاسخ به سؤالات ناتوان بود و سرانجام از سمت خود استعفا داد. بی‌تردید وزیر دادگستری با اختیارات محدودی که دارد، نمی‌تواند در این زمینه پاسخگو باشد.

رئیس قوه قضائیه هم که در برابر مجلس شورای اسلامی پاسخگو نیست. آیا به غیر از نظارتی که خود رئیس قوه قضائیه می‌تواند داشته باشد و بازرسی‌هایی که می‌تواند انجام دهد، یعنی نظارت‌های درون قوه‌ای، آیا از بیرون قوه قضائیه هم می‌شود نظارتی انجام داد؟ البته نظارت‌های عامی وجود دارند، مانند نظارت مردم، رسانه‌ها و احزاب که این‌گونه موارد نظارت‌های عام و عمومی است که در صورتی که

آزادی‌های لازم در جامعه باشد، می‌توان آن را فعال کرد. اما در عین حال به یک دستگاه رسمی خارج از قوه قضاییه نیاز است، تا بتواند این قوه را مورد سؤال قرار دهد و آن را ملزم به پاسخگویی کند. فعلاً چنین نهادی در کشور وجود ندارد.

## ۲-۱۱- اصل سرعت مناسب و اصل احساس مردم نسبت به سلامت دستگاه قضایی

اصل سرعت در اقدامات قضایی یک ضرورت برای امنیت قضایی است. در این زمینه اصل دیگری به نام «سهولت دسترسی» وجود دارد. در شرایط فعلی بسیاری از شکایات به دلیل پیچیده بودن مراحل دادرسی، از شکایت خود صرف‌نظر می‌کنند یا به دلیل پیچ و خم‌هایی که در آیین دادرسی و تشریفات دادرسی وجود دارد و طولانی شدن محاکمات، شاکی به ناچار از شکایت خود صرف‌نظر می‌کند. به همین دلیل در عین این که نباید دقت را فدای سرعت کرد، اما سرعت متناسبی باید مورد تأکید و مدنظر باشد. احساس مردم نسبت به سلامت قوه قضاییه علاوه بر سلامت واقعی دستگاه قضایی، یک ضرورت است. مردم باید احساس کنند که قاضی مستقل است. قاضی کارشناس و عالم است و مهارت لازم در کار خود را دارد، قاضی متعهد و دارای سلامت نفس است، عادل است و به عدالت عمل می‌کند (اسفندی، ۱۳۹۹، ۲۰).

## ۲-۱۲- اصل سهولت دادخواهی و اصل سلامت ضابطین قوه قضاییه

پیچ و خم‌های فراوان دادرسی، معمولاً مردم را از مراجعه به دستگاه قضایی منصرف می‌کند. گاهی مردم احساس می‌کنند که گویی دستگاه قضایی در دسترس آن‌ها نیست. امنیت قضایی زمانی حاصل می‌شود که همه مردم احساس کنند یک پناهگاه به نام قوه قضاییه دارند که به راحتی می‌توانند شکایت خود را در آنجا مطرح کنند. اگر این احساس از بین برود، آن امنیت هم از بین رفته است. احساس پناهگاه بودن دستگاه قضایی برای همه مردم، معنای واقعی امنیت قضایی است. اصل دیگری که باید مورد توجه باشد و در سیاست‌های مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام هم‌بندی راجع به آن آمده، سلامت ضابطین قوه قضاییه است. در این بند آمده است: «ارتقای سطح علمی، شایستگی اخلاقی، توان علمی ضابطین دادگستری». البته در آن مصوبات، استفاده از پلیس تخصصی قضایی هم مطرح است و در اصل عدم انتفاع ضابطین آمده که ضابطین قوه قضاییه و یا دستگاه مربوطه نباید از پرونده‌ای منتفع شوند (حاجی زاده، ۱۳۹۵، ۸۱).

این اصل برای عدالت قضایی بسیار مؤثر است. اگر ضابطه قوه قضاییه از محکومیت متهم در پرونده‌ای نفع مادی یا نفع معنوی داشته باشد، امنیت قضایی زیر سؤال می‌رود. برای مثال ممکن است دستگاهی برای

این که نشان دهد فعال است و توانسته فردی را که جرم مهمی مرتکب شده، دستگیر کند تلاش کند تا با محکوم کردن آن فرد، در کشور معروف شود و نشان دهد که کارکرد خوبی داشته است و یا از لحاظ سیاسی و جناحی بخواهد فردی از جناح رقیب را محکوم کند تا نزد جناح حاکم تقرب جوید. بنابراین باید مقرراتی حاکم شود تا ضابطین قوه قضاییه از محکومیت فردی منتفع نشوند (نه نفع مادی و نه نفع معنوی) که این امر شدنی است. یکی از زشت ترین اعمال، توطئه چینی و پرونده سازی برای دیگران است. امام هشتم (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل نمود که: «مسلمان نباید مکر و خدعه کند. من از جبرئیل شنیدم که می گفت مکر و فریب در آتش است.» پس فرمود: «از ما نیست کسی که با مسلمانی ناخالصی کند و از ما نیست کسی که به مسلمانی خیانت ورزد» (جزایری، ۱۳۸۹، ۶۸).

ثبات نظام دستگاه قضایی کشور، از اصولی است که امنیت قضایی قوه قضاییه را تضمین می کند. در سال های اخیر گاهی کارهای عجولانه ای انجام گرفت که بعد هم روشن شد که آن اقدامات، اقدامات درستی نبوده است. مثلاً در مجلس شورای اسلامی چهارم تحت فشار شدید، مجلس شورای اسلامی دادگاه های عام را تصویب و دادرها را منحل کرد که با اصرار رئیس قوه قضاییه وقت آن مصوبه در مجلس شورای اسلامی با رأی ضعیفی تصویب شد. در آن جلسه مجلس شورای اسلامی، مطالب فراوانی از جمله بحث افراد از سوی قوه قضاییه در اثبات این که اگر این قانون تصویب شود، چه تحول مهمی رخ خواهد داد، مطرح شد. در دوره بعد هم رئیس قوه قضاییه جدید اصرار داشت که مجرمین در ملأعام و در خیابان ها شلاق بخورند و این کار شروع شد. این هم جزو کارهای عجولانه ای بود که بعدها برچیده شد (بیات، ۱۳۹۰، ۶۱).

با توجه به این که در امر قضا، اشتباه امری بعید نیست، لذا عدالت قضایی ایجاب می کند درخصوص جبران خسارت ناشی از اشتباه، راهکاری در قانون و امر قضا پیش بینی گردد. به موجب اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرری به کسی وارد شود (چه ضرر مادی و چه ضرر معنوی) در صورت مقصر بودن ضامن و در غیر این صورت خسارت توسط دولت جبران می شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد. همچنین اگر قاضی از مقام خود سوء استفاده کند و به حقوق افراد و آزادی آن ها تجاوز نماید، مسئولیت کیفری خواهد داشت و اگر قصوری متوجه حکم و قضاوت او باشد، این قصور باید از سوی خود وی یا دولت جبران گردد.



همه اصول، سیاست‌ها، برنامه‌ها و چهارچوب‌ها باید دقیقاً مورد مراعات دستگاه قضایی قرار گیرد تا عدالت و امنیت قضایی تضمین گردد و دستگاه قضایی را کارآمد نماید. برای نمونه می‌توان به چند مورد اشاره نمود: متناسب بودن ارجاع پرونده‌ها با توان قاضی: اگر قاضی در میان پرونده‌های فراوانی خود را محصور ببیند و از طرفی مقامات بالا هم برای حل و فصل سریع تر آن‌ها قاضی را تحت فشار قرار دهند، نمی‌توان انتظار قضاوت دقیقی از او داشت. کار عجولانه هیچ‌گاه نمی‌تواند با حقیقت و عدالت توأم باشد. باید در حد توان و در چهارچوب ساعات کار روزانه، پرونده به قاضی ارجاع داده شود تا بتوان از کار صحیح و دقیق او اطمینان داشت (حسینی، ۱۳۹۳، ۳۴). همسان نمودن فرهنگ قضاء نیز یک ضرورت است: در دستگاه قضایی عده‌ای تحصیل کرده حوزه علمیه هستند و عده‌ای هم در دانشگاه آموزش دیده‌اند که فرهنگ همسانی ندارند و این عدم هماهنگی در سال‌های بعد از انقلاب، همواره مشکل آفرین بوده است. باید در این زمینه تدبیر کرد تا راه حل مناسبی پیشنهاد و اجرا شود. تخصصی شدن رسیدگی به دعاوی جزو اصولی است که در سیاست‌های کلی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، به‌عنوان یک اصل تأکید شده است. تقویت نظام نظارتی و بازرسی قوه قضاییه از مواردی است که در سیاست‌های کلی مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز مورد تأکید قرار گرفته است. تناسب جرم و مجازات که باید مورد توجه قضات از یک طرف و قوه مقننه از طرف دیگر قرار گیرد. این عدم تناسب در سال‌های اخیر یکی از مشکلات جامعه ما بوده است. وقتی وجدان جامعه برخی از احکام دادگاه‌ها را نمی‌پذیرد و قبول نمی‌کند و تناسبی بین جرم و مجازات نمی‌بیند، جایگاه قوه قضاییه تضعیف و عدالت یا استقلال قاضی زیر علامت سؤال قرار می‌گیرد. اجرای موارد فوق می‌تواند کارآمدی دستگاه قضایی را تضمین کند.

### نتیجه

یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت اسلامی، برقراری امنیت در همه وجوه آن و برای آحاد مردم باشد. امنیت قضایی یکی از وجوه بااهمیت امنیت بوده و بیانگر جهت حرکت نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. امنیت قضایی طرحی ژرف و برخاسته از تعالیم والای اهل بیت (ع) است: تعالیمی که فطرت انسان را زیرساخت تدوین و اجرای مجازات‌ها و کیفرها و رفع تخاصم‌ها و حقوق کرامت بخش انسانی را بستر رویه قضایی و کمال بخشی را پایه و مایه تحقق عدالت جامعه ساز و انسان پرداز الهی قرار داده است.

امنیت قضایی، نظریه‌ای است که باید چونان دیگر نظرات و ابداعات فکری، در تعامل افکار و

تضارب اندیشه و نقد و بحث نخبگان جامعه ستبر و شفاف شود، در عرصه اجرا و عمل تکمیل شود و تکامل یابد و با بهره‌وری از تجربه‌های سیستم‌های قضایی و جزایی و استفاده از تکنیک و روش‌های روزآمد در قالب نظامی کامل جامع و درخور تأمین، نیازهای جامعه ما و دیگر جوامع اسلامی ظهور پیدا کند. کوتاه کردن فرایند دادرسی، گسترش کمی و کیفی محاکم، پیاده کردن کامل احکام و مقررات اسلامی، تأکید و مبالغه در سلامت همه جانبه قوه قضاییه، آشناکردن مردم به حقوق و جرایم و مجازات‌های قضایی، روزآمد کردن پرونده‌های در حال رسیدگی و استفاده از فناوری نوین، از جمله اولویت‌ها در ایجاد امنیت قضایی است.

برای دستیابی به هدف امنیت قضایی، همه اصول مربوط به امنیت قضایی که در این نوشتار به آن اشاره شده، باید به دقت مورد مراعات قرار گیرند و با استفاده از تجربیات دیگر کشورها سازمان قضایی کشور و مقررات آن به صورت مستمر روزآمد گردند. در بحث امنیت قضایی و این که چگونه می‌توانیم آن را تأمین، تقویت و توسعه دهیم، بحث‌های فراوانی شده است. البته قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انصافاً در این زمینه قانون مدرن و جامع است. اگر همین قانون اساسی به دقت اجرا شود، اصول مهم امنیت قضایی تضمین شده است. برای دستیابی به امنیت قضایی مطلوب تلاش فراوانی نیاز است، از جمله در امر تحقیق و پژوهش که امید است پژوهشگران متعهد و پر تلاش به این مطلوب دست یابند.

### پیشنهادها

مسئولین و دست اندرکاران دستگاه قضاء باید از حقوق، قانون و تحولات صورت گرفته در این حوزه آگاهی کافی داشته باشند. دستورالعمل‌های گسترش امنیت قضایی منحصر به سیاست‌گذاری گروه‌های حکومتی و قدرتمند نیست. باید یادگیری به گونه‌ای باشد که مردم خود بر زندگی خویش تأثیر بگذارند. به عبارت دیگر بشر قادر به تأمین امنیت قضایی مطلوب خود به وسیله سازمان‌ها و نهادها نیست بلکه بخشی از آن را باید فرهنگ بومی و اخلاق ناظر بر جامعه عهده دار گردد تا با کاهش بار جرم نیاز به برخورداری از امنیت قضایی خود به خود کاهش یابد. توقع اجتماعی یا تدبیر مجازات‌های قانونی که به عرصه مجازات‌های نقدی سوق نامتناسبی یافته است به حبس تنگدستان و رهایی ثروت اندوزان منجر می‌شود که این تصور با اندیشه‌های سیاست جنایی و اصول کیفرگزینی باید مهار گردد.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

## منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- آقابابایی، حسین، ۱۳۸۹، **قلمرو امنیت در حقوق کیفری**، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- اسفغانی، محمدعلی، ۱۳۹۹، **نقش سند امنیت قضایی در روند تحول قوه قضاییه موانع پیش روی حسن اجرای سند**، خبرگزاری بین المللی قرآن، آبان ماه ۱۳۹۹، شماره ۱۷.
- اشراقی، حمیدرضا، ۱۳۹۶، امنیت قضایی بر مبنای شرف و کرامت انسانی، **مجله دادرسی**، شماره ۶۶.
- بیات، محمدرضا، ۱۳۹۰، **دادرسی انتظامی و تقصیرات انتظامی قضات**، چاپ اول، تهران، انتشارات خط سوم.
- بوزان، باری، ۱۳۷۸، **مردم، دولت ها و هراس**، ترجمه مجتبی عطارزاده، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جزایری، شریعتمدار، ۱۳۸۹، امنیت در فقه سیاسی شیعه، **مجله علوم سیاسی**، شماره ۹.
- حاجی زاده، هادی، ۱۳۹۵، از امنیت قضایی تا عدالت ماهوی نگاهی دوباره به نسبت عدالت و امنیت در حوزه فقه و امنیت ملی، **فصلنامه آفاق امنیت**، شماره ۳۳.
- حسینی، سیده لطیفه، ۱۳۹۳، **بررسی مفهوم دادرسی عادلانه**، پژوهشکده شورای نگهبان، گزارش پژوهشی شماره ۹۰.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۲، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ ششم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- زارعی، محمدحسین، ۱۳۹۶، امنیت قضایی به مثابه حق، **فصلنامه مجلس و راهبرد**، شماره ۵۶.
- سیاح، مریم، ۱۳۹۴، امنیت قضایی از منظر فقه امامیه و حقوق ایران، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- سیفی زیناب، غلامعلی و امیراقدم، ریما، ۱۳۹۵، بررسی تطبیقی نقش رویه قضایی در تحقق امنیت قضایی و

- اقتصادی در حقوق ایران و مصر، **مجله حقوق شهروندی**، شماره ۳.
- صادقیان، سیدجلال، ۱۳۹۲، درآمدی بر امنیت و ابعاد گستره آن، **فصلنامه دانش انتظامی**، شماره ۱۶.
- علینقی، امیرحسین، ۱۳۹۷، امنیت قضایی، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۴.
- کلاتریان، سیده، ۱۳۹۰، حق بر دادرسی عادلانه، **مجله وکالت**، شماره ۶.
- ماندل، رابرت، ۱۳۸۷، **چهره متغیر امنیت ملی**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محدث، محسن؛ کوشا، جعفر؛ میلانی، علیرضا؛ متین راسخ، مجید، ۱۳۹۸، امنیت قضایی در مرحله پیش از دادرسی در رویه قضایی و حقوق کیفری ایران، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۸.
- مدنی، سیدجلال الدین، ۱۳۸۹، **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ دوم، تهران، انتشارات پایدار.
- نوروزی، کامبیز، ۱۳۹۷، **امنیت قضایی در جمهوری اسلامی ایران**، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۹۱، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، جلد اول اصول و مبانی کلی نظام، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات میزان.